

## بررسی علل ضعف پوشش در بین دانشجویان دختر و راهکارهای بهینه‌سازی آن در سطح نظر و عمل

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۵/۱۶

تاریخ تأیید مقاله: ۹۱/۸/۱۸

سیدعبدالحسین نبوی \*

مرضیه شهریاری \*\*

### چکیده:

مسئله حجاب موضوعی خاص و مربوط به یک جامعه معین یا در یک گوشه از جهان نبوده و نیست، بلکه مسئله‌ای جهانی بوده و آشکار است که با مشخصات متناسب با جوامع مختلف و در سیر تاریخی آنها قرار دارد.

حفظ ارزش‌ها و شعائر اسلامی از وظایف مسلم همه نهادهاست و رعایت پوشش اسلامی به‌وسیله دانشجویان دانشگاه از مصادیق بارز آن به‌شمار می‌آید. بنابراین بخش‌های فرهنگی دانشگاه با توسل به راهکارهای جدید و به روز در امر جذب دانشجویان به محافل مذهبی باید پیش از پیش کوشش کرده و در سایه تعامل حاصل شده ابعاد معقول ضرورت توجه به حجاب را بازخوانی و ارائه کنند، به‌علاوه معرفی زنان اسوه و الگو در اسلام، ایران و بیان مراتب تأثیرگذاری آن‌ها در تاریخ و تحولات جامعه به‌خصوص در امر حجاب می‌تواند در بهبود وضعیت حجاب در بین دانشجویان دختر مؤثر باشد. این مقاله، از منظری عام و با رویکردی بیشتر جامعه‌شناختی به شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر در ضعف پوشش در بین دانشجویان دختر پرداخته است. در پایان نیز مجموعه‌ای از سیاست‌ها و راهکارهای بایسته که اجرای دقیق آنها در کنار سایر تمهیدات بالقوه می‌تواند از رشد روزافزون این معضل جلوگیری کند، ارائه شده است. در این مقاله اگرچه از روش کتابخانه‌ای استفاده گردید؛ اما سعی شد از تحقیقات میدانی به‌عمل آمده، در این خصوص و مستند قرار دادن آنها بهره جسته شود.

**واژگان کلیدی:** الگوی پوشش، دانشجو، بی‌حجابی، بهینه‌سازی، ترویج، سطح نظر و عمل.

## مقدمه و بیان مسئله

پوشش و حجاب به‌مثابه رسانه‌ای ارتباطی و به‌عنوان کنشی اجتماعی، از یک‌سو تحت تأثیر ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است و از سوی دیگر، متأثر از کنشگران اجتماعی اعم از زن و مرد است. در سال‌های پس از انقلاب، به‌دلیل آسیب‌پذیری درونی جامعه و تهدیدهای بیرونی، انتقال فرهنگی حجاب با اختلال مواجه شد و رعایت نکردن حجاب اسلامی، موجب جریحه‌دار ساختن وجدان جمعی و تبدیل آن به مسئله‌ای اجتماعی شد (محبوبی‌منش، ۱۳۸۶). یکی از بزرگترین معضلات کشور ما طی سالیان گذشته کمرنگ شدن تدریجی فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه بوده است. در واقع این مشکل از آنجا ناشی می‌شود که «معروف»ها در جامعه ما فرایند نهادینه شدن را به‌درستی طی نکرده‌اند و به همین دلیل اکنون شاهد بازگشت مجدد به برخی «منکر»ات از جمله پدیده بدحجابی و بی‌حجابی در جامعه هستیم. علت این مسئله را می‌توان فقدان نگاه راهبردی و روشمند به نهادینه کردن فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه دانست. در واقع اگر تاریخ مواجهه با مسئله بدحجابی پس از انقلاب اسلامی را مرور کنیم، مشخص می‌شود پرداختن به مسئله حجاب طی سالیان متمادی پس از پیروزی انقلاب دچار افراط و تفریط‌های فراوان شده و هیچگاه خط‌مشی اصولی و بلندمدتی بر این مسئله حاکم نبوده است؛ در دهه نخست پیروزی انقلاب اسلامی، به‌ویژه در دوران دفاع مقدس، به‌دلیل حاکمیت شرایط ویژه فرهنگی و اجتماعی در مورد حدود پوشش اسلامی، نظراتی وجود داشت؛ ولی جامعه، کمتر با معضل بدحجابی روبرو بود. در دهه دوم انقلاب، به‌دلایل مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، نابهنجاری‌های اجتماعی از جمله پدیده بدحجابی در جامعه ظهور بیشتری یافت و در دهه سوم، این روند با سیری رو به افزایش، ادامه پیدا کرد. واقعیت این است که در سه دهه گذشته، با وجود فراز و نشیب‌ها و کاستی‌ها، پایبندی به پوشش اسلامی در مقایسه با وضع پیشین آن بسی بیشتر و عمیق‌تر بوده و این امر در مراکز آموزشی به‌ویژه دانشگاه‌های کشور مشهودتر است. با این حال پیداست میان «واقعیت موجود» تا «حقیقت مطلوب» فاصله کم نیست. در تحلیل وضعیت پوشش علاوه بر آنکه باید از تقلیل‌گرایی اجتناب و تمام علل و عوامل را تا حد امکان واکاوی کرد، لازم است سهم تأثیرگذاری هریک از عوامل نیز مشخص شود. در اینجا تحقیقات میدانی کارشناسانه می‌تواند تا اندازه زیادی به‌کار آید. وضعیت پوشش بانوان روندی رو به رشد داشته اخیر نشان می‌دهد از سال ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۹ وضعیت پوشش بانوان روندی رو به رشد داشته است. تحلیل همین پدیده می‌تواند در بررسی علل بدپوشی در سال‌های بعد روشن‌گر باشد.



با وجود آنکه از زمان شکل‌گیری انقلاب تا زمان استقرار نظام اسلامی، وجه همت و مسئله اصلی جامعه اسلامی موضوع حجاب نبود، تمایل رو به رشد زنان به حجاب چگونه توجیه می‌شود؟

خانواده‌ها و مهاجرت آنان به حاشیه شهرهای دیگر، افزایش نارضایتی از پیامدهای جنگ (از جمله گرانی)، حضور بسیاری از جوانان مذهبی در جبهه‌ها و کاهش اقتدار آنان در شهرها و عطف توجه مدیران به موضوع جنگ و فقدان برنامه‌ریزی در زمینه گسترش فرهنگ عفاف و از سوی دیگر گسترش برنامه‌های فرهنگی جهان غرب علیه انقلاب اسلامی. همچنین، جنگ توانسته بود انسجام اجتماعی و حس ایثار را تقویت کند و توجه به مسئله اصلی (جنگ) سبب می‌شد بسیاری مسائل از جمله موضوع آزادی‌های اجتماعی و آزادی پوشش، برابری حقوق زن و مرد و مسائلی از این دست در حاشیه قرار گرفته و یا اصلاً مسئله اقلیت راحت‌طلب تلقی شود نه مسئله عموم مردم؛ از این رو مسئله پوشش بانوان در طول جنگ هیچگاه به عنوان مشکلی حاد مطرح نشده بود؛ هرچند در اندیشه عمل‌کنندگان آن یک موضوع مهم محسوب می‌شده است.

با پایان یافتن جنگ تحمیلی، برخی از ارزش‌های دوران دفاع مقدس از جمله حس ایثارگری، انسجام اجتماعی، قناعت و معنویت‌گرایی با افول مواجه شد و از سوی دیگر همت مدیران نظام به بازسازی کشور براساس برنامه‌های توسعه معطوف گردید. اگرچه بازسازی کشور و تدوین برنامه برای ترسیم افق‌ها، تدوین سیاست‌ها و هماهنگی برنامه‌ها ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بوده و هست؛ اما اتخاذ رویکرد توسعه‌ای به این معنا بود که الگوهای توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی غربی البته با اصلاحاتی جزئی، مبنای تحولات قرار گیرد (فلاح، ۱۳۸۸). تعارض میان آرمان‌های توسعه و آرمان‌های نظام اسلامی، ناهمگونی جهت‌گیری‌ها و شاخص‌های نوشته و نانوشته توسعه با جهت‌گیری‌ها و شاخص‌های رشد در الگوی دینی که از ابتدا مورد توجه برخی دانشوران قرار گرفته بود، از دید بسیاری از مسئولان پنهان ماند. در نتیجه شکاف تبلیغاتی و نابرابری‌های اجتماعی نمایان‌تر شد، ثروت و قدرت اقتصادی و اجتماعی به ارزش عمومی تبدیل شد، رقابت برای احراز موقعیت‌های جدید، میل به تجمل را افزایش داد و ارزش‌های معنوی تحت‌الشعاع قرار گرفت. در این وضعیت تمایل به خودآرایی و انتخاب پوشش‌های متنوع فزونی گرفت. این تغییرات پنهان در نگرش و باورها، کم‌کم شکل گرفت و ظهور یافت و نشانه‌های آن را تحقیقات انجام شده در دوره‌های زمانی مختلف نشان می‌دهد. برای نمونه، دادگران (۱۳۶۹) در پژوهشی با عنوان «حقوق، نقش اجتماعی و پوشش بانوان در زمینه شناخت الگوی مناسب اسلام برای

زن امروز» در شهر تهران به بررسی دو گروه از زنان که برخی از آنان در برابر حجاب، الگوی مناسب اسلام برای زن امروز و مسائل شرعی حساسیت بیشتر و گروهی دیگر حساسیت کمتری داشتند، پرداخت و به این نتیجه رسید که میان نگرش این دو گروه درباره لزوم و چگونگی رعایت حجاب اختلاف نظر وجود دارد. گروه نخست، از آزادی زنان حتی با حفظ موازین شرعی در انتخاب نوع پوشش خود تا استفاده از رنگ‌های شاد و روسری‌های نقش‌دار طرفداری نمی‌کرد و معتقد بودند استفاده از چادر یا مقنعه در محل کار دست و پاگیر نیست. در مقابل، گروه دوم بیشتر بر این عقیده بودند که استفاده از لباس‌های تیره، سبب افسردگی فرد می‌شود و رنگ سیاه برای پوشش خانم‌ها مناسب نیست. آنها استفاده از مقنعه را در محل کار بر چادر ترجیح می‌دادند و بر این باور بودند که لازم نیست خانم‌ها برای پوشش خود در مجامع عمومی، حتماً از پوشش چادر ساده و بدون نقش و یکسان استفاده کنند. شمس (۱۳۸۶) «تأثیر عوامل اجتماعی را بر شیوه پوشش دختران دبیرستانی شهر تهران» بررسی کرد و نشان داد نوع پوشش مادر و خواهران با نوع پوشش دختران همبستگی دارد. همچنین، وی درباره تأثیر محیط اجتماعی بر رفتار پوششی فرد نشان داد: هرچه بر تعداد بوتیک‌های موجود در محله و اطراف خانه دختران اضافه می‌شود، از تعداد چادری‌ها و استفاده‌کنندگان از پوشاک ساده کم می‌شود. رستگار خالد (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی حجاب در میان دانشجویان دختر دوره کارشناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد تهران» پرداخت و نشان داد نگرش دختران به حجاب اسلامی به‌طور کلی مثبت است. وی گزارش می‌دهد که میزان نگرش مثبت دختران با پایگاه اجتماعی خانواده، مذهبی بودن والدین و نوع پوشش‌های دوستان و میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و کالاهای فرهنگی و میزان پیروی از گروه‌های مرجع، به لحاظ آماری رابطه معناداری داشته است. یک نظرسنجی در تهران (۹ بهمن ۱۳۸۵) درباره پوشش نامناسب توسط برخی افراد نشان داد که ۲۳ درصد تبعیت از مد روز، ۲۰ درصد زیبا و متنوع بودن لباس‌های جدید، ۳۹ درصد جلب توجه و ۱۲ درصد اظهار مخالفت با برخی سیاست‌های کشور را دلیل انتخاب پوشش‌های نامناسب خود دانسته‌اند. در نظرسنجی دیگری که در سال (۱۳۸۸) در سطح شهر تهران بزرگ انجام گرفت، چهار پرسش درباره اهمیت مسئله حجاب در سلامت جامعه، ارتباط پوشش مناسب افراد با امنیت اخلاق جامعه، نوع پوشش به‌عنوان شاخص انتخاب همسر و علل پوشش نامناسب از شهروندان پرسیده شد. براساس نتایج، ۷۶/۶ درصد پاسخگویان پوشش مناسب را در ایجاد امنیت اخلاقی در جامعه مؤثر ۲۱/۲۱ درصد پاسخگویان نوع پوشش را شاخص انتخاب

همسر دانسته‌اند، ۸ درصد نیز درباره این پرسش نظری نداشتند و ۵۵ درصد با این موضوع مخالف بودند. موضوع حجاب در چارچوب بحث دفاع از حقوق زن، سال‌هاست مطرح شده است و آثار زیادی در این زمینه به رشته تحریر در آمده است؛ اما تحقیقاتی که تاکنون به عمل آمده عموماً جنبه فقهی و تفسیری داشته و به جنبه‌های اجتماعی حجاب زنان توجه نشده است و مطالب آنها چندان ناظر به ریز مسائل و معضلات پوشش در جامعه کنونی نیست، از این رو این موضوع به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف تدوین این مقاله بوده است.

### مفهوم‌شناسی عفاف

عفاف واژه‌ای عربی است که با فرهنگ اسلامی و دینی وارد زبان فارسی شده است. عفاف را به‌معنای خود نگهداری و باز داشتن نفس انسانی از محرّمات و خواهش‌های شهوانی دانسته‌اند. راغب اصفهانی در «المفردات فی غریب القرآن»، ذیل ماده عف می‌گوید: «العفة حصول حاله للنفس تمتنع بها عن غلبه الشهوة والمتعطف المتعاطی لذلک بضرب من الممارسه والقهر» (راغب الاصفهانی، ۱۳۶۲: ۳۳۹).

«عفت» حالت نفسانی است که مانع تسلط شهوت بر انسان می‌شود و انسان عقیف کسی است که با تمرین و تلاش مستمر و پیروزی بر شهوت، به این حالت دست یافته باشد. از لحاظ اصطلاحی، عفاف معنایی فراختر از پاکدامنی و پالودگی از فحشا و زنا دارد و قرآن کریم و نصوص روایی نیز عفاف را در معنای وسیع‌تر از عفاف و پاکی جنسی به‌کار برده و آن را به‌معنای در پیش گرفتن رویه اعتدال، خود نگهداری، تسلط بر خویشستن، صبوری و ایستادگی در برابر کامجویی ناروامی دانند که در حوزه تمایلات جسمی و جنسی می‌گنجد و نفس انسانی خواهان برآورده شدن بی‌قید و حصر آن نیازهاست (هاشمی، ۱۳۸۴).

### حجاب

حجاب از لحاظ لغوی، هم به‌معنای پوشیدن و هم به‌معنای پرده و حاجب به‌کار می‌رود (مطهری، ۱۳۷۴: ۷۸). ولی در اصطلاح فقهی، حجاب پوشش زن در برابر بیگانه است. البته کتب فقهی از واژه حجاب به این معنا کمتر بهره گرفته‌اند و برای بیان این مقصود در دو مقوله کاملاً مرتبط «پوشش» و «نگاه»، از دو واژه «ستر» و «نظر» استفاده کرده‌اند (خلفی، ۱۳۸۶: ۷۷). از نظر استاد شهید مطهری (ره)، وظیفه پوشش که اسلام برای زنان مقرر کرده به این معنا نیست که زنان از خانه بیرون نروند و در خانه محبوس باشند، بلکه پوشش زن در اسلام

این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. (مطهری، ۱۳۷۴: ۷۹). پوشش ظاهری زن مسلمان بخشی از حقیقت باطنی و بیانگر اندیشه‌ها و نظام ارزش‌های درونی اوست (یزد خواستی، ۱۳۸۶: ۳۹).

## وضعیت پوشش

در دو قرن گذشته الگوی پوشش از منظر جامعه‌شناسی نشانه موقعیت اجتماعی بوده؛ اما در قرن حاضر آنچه پوشیده می‌شود، به معنای نوعی ایده بدن‌محوری و کسب هویت است. مُد به مثابه یکی از روندهای تغییر در جامعه، باعث شده در شیوه زندگی و طرز تلقی گروه‌های مختلف سنی، به ویژه جوانان، تغییر ایجاد شود. جوانان علاوه بر تابعیت از بازار توده‌ای در زمینه مصرف کالا، در ترکیب و ابداع سبک‌های نو در بازار مصرفی بیشترین تغییرات و تأثیرات را بر جا می‌گذارند. آنها قادرند نمادهای رایج و قالبی را شکسته و ایده‌های نمادین خود را براساس معنای متفاوت (همگرایی یا واگرایی با فرهنگ جامعه) به کار گیرند. این معانی با توجه به نوع طبقه اجتماعی و اقتصادی که جوانان در آن قرار دارند، می‌تواند به دو شیوه نمایشی (دیدنی) و کلامی شکل بگیرد. در بُعد نمایشی، جوانان هم‌علاق شخصی خود را در الگوی پوشش به کار می‌برند و هم با پیوستن به گروه‌های همسال به پردازش و بازتولید نمادها و الگوها می‌پردازند. اما در حالتی که کالا، محوریت دارد نوع مارک و میزان هزینه‌ای که پرداخت می‌شود، مهم است. در بُعد نمایشی، کنشی که مد نظر آنهاست، ارسال پیام ویژه‌ای به ساختار کلی جامعه است. این پیام می‌تواند با توجه به ساختار سیاسی، اجتماعی و مذهبی هر جامعه، تعبیرهای گوناگونی داشته باشد.

رفتار پوششی در عین حال نشان‌هایی از باورها و اعتقادات شخصی نیز محسوب می‌شود و از این بُعد بیشتر مورد عنایت نظام‌های تربیتی و سیاسی قرار می‌گیرد. در نظام‌های تربیتی و سیاسی دارای هنجار پوششی، الگوهای خاصی از پوشش به عنوان پوشش هنجار مطرح می‌شود و به شکل‌های مختلف از اعمال آنها حمایت به عمل می‌آید و تحقق آن نشان‌هایی از توفیق شمرده می‌شود. نظام تربیتی و سیاسی ایران از جمله این نظام‌هاست؛ بنابراین، میزان ظهور رفتار پوششی هم‌نوا با هنجارهای آن در میان گروه‌های مختلف اجتماعی، علاوه بر آنکه وضعیت مطلوب را نشان می‌دهد، نشان‌هایی از توفیقات این نظام در عرصه عمل است. اگر شیوه پوشش در بین برخی از گروه‌ها، مغایر با معیارها و هنجارهای رسمی و پذیرفته شده باشد، می‌توان گفت مشکلی اجتماعی ظهور یافته است؛ از این رو استفاده از واژه ناهمنوا

در الگوی پوشش به این معناست که این شیوه رفتاری توسط تعداد کثیری از افراد در جامعه یا نظام رسمی تربیتی - سیاسی (فرهنگ مسلط)، به عنوان رفتاری ضداجتماعی تلقی می‌شود. در حقیقت، متن و زمینه‌های فرهنگی متنوع در جوامع، باعث می‌شود الگوی پوشش به عنوان رفتار اجتماعی، عادی (همنوا) یا مسئله‌ساز (ناهمنوا) مطرح شود؛ یعنی وجود ارزش‌ها و نهادهایی که به این رفتار معنا می‌بخشند و راه‌های مناسب رعایت آن را بیان می‌کنند، نمایانگر هم‌نوا یا ناهم‌نوا بودن آن در سطح کلان و گسیختگی آن به معنای ادغام الگوهای متفاوت و متکثر با به‌کارگیری کنشی هدفمند در سطح خرد می‌شود. نحوه برخورد با این رفتار نیز تابع میزان و شدت به‌کارگیری مذهب، قانون و سنت در جامعه مورد نظر است. در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دولتمردان نظام با هدف تربیت انسان آرمانی (مسلمان، متعهد و وفادار به هنجارهای رسمی و گفتمان‌های مسلط) برنامه‌هایی را طراحی و اجرا کردند؛ بنابراین، دستگاه فرهنگی جامعه با استفاده از ابزارهای گوناگون و سرمایه‌گذاری‌های مستقیم و غیرمستقیم سعی در کنترل عرصه عمومی و خصوصی جامعه بر اساس معیارهای سنتی و از جمله: «اسلامی کردن روابط و مناسبات زن و مرد، اجرای سیاست تفکیک جنسی زن و مرد در نهادهای آموزشی (به‌جز دانشگاه‌ها)، ورزشی، تفریحی و در وسایل حمل و نقل عمومی (اتوبوس‌های شهری) و همچنین احیای هنجارهای اسلامی در مورد سبک پوشش جوانان» پرداختند. این تلاش رسمی و مبتنی بر قدرت به منظور تغییر در الگوهای پیشین (قبل از انقلاب) و الگوسازی در عرصه‌های عمومی، نوعی از رفتار را در پی داشته که از طریق جامعه‌پذیری از بالا ظهور می‌یابد و از حیث استحکام دارای تفاوت‌های جدی با جامعه‌پذیری از پایین است. علاوه بر این، آشنایی و ارتباط جامعه ایرانی با اجزای مدرنیته از جمله رسانه‌های جمعی و فناوری اطلاعات، باعث شده که افراد با سبک‌های زندگی در سایر ممالک آشنا شده و در استفاده از آن با توجه به نوع فرهنگ خود تغییراتی ایجاد کنند؛ در نتیجه در این نوع چالش، تعارض میان کردارهای عمومی از یک‌سو و هنجارها و ایدئولوژی رسمی از سوی دیگر مشاهده می‌شود (شهابی، ۱۳۸۲).

به این ترتیب تقابل زندگی مدرن و سنتی در ایران که نتیجه تلاقی سه فرهنگ ایرانی، اسلامی و غربی است. چالش‌هایی را در حوزه‌های مختلف، به‌ویژه حوزه جوانان، ایجاد کرده است. این امر باعث شده در شیوه اجتماعی شدن و فرهنگ‌پذیری آنها جابه‌جایی به وجود آید و فضای جدیدی را به‌ویژه برای جوانان نسل سوم و چهارم انقلاب پدید آورد. این گروه را به‌طور گسترده می‌توان در دانشگاه‌ها مشاهده کرد. نمودهای این رخداد فرهنگی -

اجتماعی را می‌توان در کسب هویت جوانان دانشجویان از طریق گرایش به مُد و تغییر در سبک پوشش، استفاده از انواع موسیقی، شکل‌گیری زبان خاص و در کل بروز شیوه‌ها، اندیشه‌ها و سبک‌های متفاوت زندگی (در مقایسه با آنچه والدینشان بدان پایبند هستند) مشاهده کرد. این تفاوت‌ها و شیوه‌ها در میان قشر جوان جامعه، به‌ویژه دانشجویان، نمود بیشتری دارد. این نمود و شفافیت رفتاری حکایت از آن دارد که سبک واحد زندگی، در این مورد پوشش، در میان جوانان رنگ باخته و نه تنها آنان رفتار پوششی خود را به تناسب موقعیت‌های اجتماعی تغییر می‌دهند که گاه برای این تنوع رفتاری و نبود وحدت رویه، توجیه‌های نظری نیز مطرح می‌کنند. آنچه را می‌توان از این بحث مبنای بررسی حاضر قرار داد، متمایز کردن محیط‌های حضور از نظر زمینه‌سازی بروز رفتار پوششی دانشجویان است. به این منظور، ابتدا دو متغیر برای تدارک بنیان نظری بررسی موضوع پوشش شناسایی شد که اولی مربوط به محیط و دومی مربوط به موقعیت است. دو جنبه مهم متغیر آزادی با عناوین آزادی عمل و میزان تهدید منافع برای ظهور نوع پوشش در محیط اجتماعی که به تناسب محیط‌های حضور متفاوت است، معرفی شد. در این بررسی، دانشگاه به عنوان محیطی که دانشجو در آن است؛ ناشناخته محسوب می‌شود و بازار به عنوان محیطی که دانشجو در آن شناخته شده. بنابراین، در این دو محیط، به ترتیب، تهدید منافع در حداکثر و حداقل قرار دارد. از نظر کنترل برای مشابه شدن دیگری با وضع تعریف شده، دانشگاه در پی اعمال نظر حداکثری و بازار در پی اعمال نظر حداقلی است. در میانه این دو محیط، مهمانی قرار می‌گیرد که دانشجو است؛ اما به دلیل مشابهت رفتار با دیگری، احساس تهدید منافع و الزام «شناخته شده» در آن به رعایت موازین خاص، به حداقل می‌رسد. بنابراین، هر چه دانشجو از محیط کنترل‌کننده به سوی محیط آزاد گذارنده و هر چه از موقعیت‌های آشنا به موقعیت‌های ناآشنا حرکت می‌کند، بیشتر می‌توان شاهد بروز رفتارهایی بود که انتخابی و برخاسته از باورهای شخصی او هستند؛ بر این اساس، پرسش این است که در این مکان موقعیت‌ها، رفتار پوششی دانشجویان (الگوی پوشش ناهمنوا) چگونه ظهور می‌کند (همان، ۱۳۹۰).

برای بی‌حجابی، دلایل بسیاری را می‌توان برشمرد. در این قسمت به برخی عوامل که باعث بدحجابی و جلوه‌گری زنان می‌شود، اشاره می‌گردد و راهکارهایی برای درمان آن داده می‌شود.

### علل و عوامل بی‌حجابی و ابتذال در پوشش یا آسیب‌شناسی حجاب

از منظر آسیب‌شناسی، بی‌حجابی از مصداق‌های انحراف و کج‌روی است. بی‌حجابی،





رفتاری ناسازگار با هنجارها و انتظارات جامعه، خلاف فرهنگ جاری و قانونمندی‌ها و انتظارات مطلوب جامعه و موجب تنش‌ها و تضادهایی است که به نگرش‌های سرزنش‌آمیز می‌انجامد و واکنش‌هایی مانند مجازات، طرد و انزوا را به همراه دارد. به تعبیر دیگر، هرگاه رفتار افراد جامعه با هنجارها، ارزش‌ها و عقاید اجتماعی جامعه در تعارض و تضاد باشد، رفتار اجتماعی، رفتاری نابهنجار خواهد بود؛ زیرا بین خواسته‌ها، نیازها و آرمان‌های اجتماعی سیستم موجود و افراد جامعه هم‌آهنگی دیده نمی‌شود و در این حالت، روابط اجتماعی، تنش‌زا و ستیزآمیز است.

علل و عوامل مختلفی در پیدایش و گسترش پدیده بی‌حجابی سهیم و دخیل می‌باشند که برخی از آنها سیاسی و پاره‌ای ریشه فرهنگی و بعضی نیز مبنای اقتصادی و برخی عوامل روانی، فردی و اجتماعی دارند که در این بحث به مهم‌ترین آنها فهرست‌وار اشاره کرده و به توضیح برخی از مواردی که ضروری به نظر می‌رسد می‌پردازیم:

۱. رشد نظام سرمایه‌داری، ۲. عوامل استعمار و هجوم فرهنگ غربی و بیرونی، ۳. استفاده از عوامل داخلی، ۴. جریان روشنفکری با گرایش‌های غربی و غیرملی، ۵. جریان‌ها و گروه‌های سیاسی سکولار، ۶. عدم آگاهی و نداشتن مبانی معرفتی درست از پدیده پوشش، ۷. عوامل درونی، ۸. نوع ارتباطات اجتماعی اقلیت‌های مذهبی و زن‌های غیرمسلمان، ۹. عوامل اقتصادی و اجتماعی، ۱۱. بدآموزی‌های برنامه تلویزیونی و فیلم‌های سینمایی و مطبوعات، ۱۱. نبود تعلیم و تربیت دینی و ضعف اخلاقی، ۱۲. برداشت و تفسیر غلطی که از آزادی به عمل آمده است.

## تهاجم فرهنگی

جا دارد گریزی به تهاجم فرهنگ بزنیم، چرا که درد جامعه ما همین است، اکثر دختران خانم‌ها و زن‌های جامعه متأسفانه با دیدن یک رقصه از طریق ماهواره ... سریعاً تقلید می‌کنند و اصلاً به این فکر نیستند که او با این وضعیت خود و استمتاع دیگران، خود را ابزار درآمد کرده و از این طریق امرار معاش می‌کند. آخر خواهر ایرانی شما چرا؟

شمایی که همسرانتان از صبح تا شب جهت امرار معاش شما تلاش می‌کنند، چرا از بهترین‌ها تقلید نمی‌کنید؟ چرا احساس می‌کنید که افتخار و ارزش زن، ظاهر ساختن صفت حیوانی است؟ آیا تا به حال فکر کردید که وجه تمایز انسان با حیوان چیست؟ آیا می‌دانید هوش و درایت انسان او را از حیوان جدا می‌سازد؟ و همین هوش باعث می‌شود که انسان

خود را وسیله خوشی دیگران قرار ندهد و از نامحرمان خودشان را بپوشاند و گوهر وجودی خود را در صدف حجاب حفظ کند و از این طریق به کمالات عالیه انسانی برسد. تهاجم فرهنگی به این معناست که یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خاص خود و اسیر کردن یک ملت به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برند. آنها هم چیزهای تازه‌ای را وارد این کشور و ملت می‌کنند؛ اما به زور و به مقصد جایگزین کردن آنها با فرهنگ و باورهای ملی آن ملت که نام این تهاجم فرهنگی است و نیز پوچ پوک و تهی کردن تفکر و ذهنیت و فرهنگ و تمدن ملی و اصیل یک جامعه و تضعیف شخصیت انسانی افراد آن با تحمیل ترس و هراس دائم و القای اصول فکر و تحمیل فرهنگ کشور مهاجم به جای آن و این جا با از دست دادن خویشتن و از دست دادن پایه‌های فکری و اخلاقی و ملی صورت نمی‌گیرد. آنها همچنین به‌عنوان آزادی و هنر، انواع فساد و فحشا و ابتذال را ترویج دادند و حجاب را مانع اصلی این آزادی حقیقی معرفی کردند و امنیت اجتماعی افراد جامعه را به خطر انداختند.

### زمینه‌های داخلی تهاجم فرهنگی

در یک بررسی اجمالی از وضعیت کشورهای مورد هجوم به ویژگی‌های مشترکی دست می‌یابیم که نشان می‌دهد، این ویژگی‌ها به‌عنوان عامل کلیدی در گسترش تهاجم فرهنگی نقش اساسی را داراست.

بعضی از این ویژگی‌ها به‌وسیله استعمارگران و مهاجمین ایجاد شده و برای سهولت در امر تهاجم و استعمار به جوامع دیگر تحمیل شده و برخی دیگر، مختص ساختار داخلی جوامع مورد هجوم است برخی از مهمترین این ویژگی‌ها که به‌عنوان زمینه‌های داخلی تهاجم فرهنگی نیز مطرح است عبارتند از:

الف) بی‌توجهی نسبت به فرهنگ خودی: هر یک از جوامع انسانی، فرهنگ خاص خود را دارند، که طی سالیان متمادی در اثر خاطرات تلخ و شیرین در تاریخ سرزمین آنها شکل گرفته و به‌صورت فرهنگ آن سرزمین درآمده است که از آن به فرهنگ خودی تعبیر می‌شود. تا زمانی که فرهنگ خودی به حیا خود ادامه و قدر هضم و دفع تازه‌های فرهنگ وارداتی را داشته باشد، هیچگونه آسیبی نخواهد دید. ولی اگر فرهنگ خودی، پویایی و جذابیت خود را از دست داده و قدر انطباق با مقتضیات زمان را نداشته باشد، فرهنگ بیگانه به‌راحتی می‌تواند جایگاه خود را پیدا کند و فرهنگ خودی را به انحطاط و فراموشی سپارد.

از این روست که همه ادیان الهی به‌ویژه دین مبین اسلام سعادت جامعه بشری را با احیا و احترام به اصول انسانی و معنوی می‌داند و همواره هشدار می‌دهد که برای حفظ ارزش‌های انسانی در جامعه همه باید کوشا باشند. در اسلام عنصر مهم امر به معروف و نهی از منکر «یکی از مصادیق بارزی است که به‌صورت یک موتور نیروبخش عمل کرده و به فرهنگ جامعه، پویایی و حیا مستمری می‌بخشد، عمل به این فرضیه الهی، از غفلت و بی‌توجهی نسبت به فرهنگ غنی اسلامی جلوگیری می‌کند و ترک آن سلطه فرهنگی بیگانگان بر جامعه اسلامی را به‌دنبال خواهد داشت، از این‌رو در دین اسلام به اجرای آن تأکید فراوانی شده است.

ب) خودباختگی فرهنگی: حالت خودباختگی بیشتر ناشی از «خود کم‌بینی و احساس حقارت» در برابر پیشرفت و موفقیت‌های دیگران است. بنابراین استکبار جهانی با دست یافتن به پیشرفت‌های مادی، چنین تبلیغ می‌کند که علت پیشرفت‌های مختلف و شگفت‌آور جهان غرب ناشی از فرهنگ آنهاست.

### بی‌حجابی و رسانه‌های گروهی

نقش برنامه‌های تلویزیونی، فیلم‌های سینمایی، تئاتر و مطبوعات در ابتدال زن در پوشش و سقوط شخصیت او در این میان اهمیت فراوان دارد. هنگامی که جامعه؛ زن را با اندام برهنه بخواد طبیعی است روز به روز تقاضای آرایشی بیشتر و خودنمایی افزون‌تر از او دارد و هنگامی که زن را از طریق جاذبه جنسی‌اش وسیله تبلیغ کالاها و دکور اطاق‌های انتظار و عاملی برای جلب جهانگردان و سیاحان و مانند این‌ها قرار بدهند در چنین جامعه‌ای شخصیت زن تا سرحد یک عروسک یا یک کالای بی‌ارزش سقوط می‌کند و ارزش‌های والای انسانی او به کلی به دست فراموشی سپرده می‌شود و تنها افتخار او جوانی و زیبایی و خودنمایی‌اش می‌شود و به این ترتیب مبدل به وسیله خواهد شد، برای اشباع هوس‌های سرکش یک مشت آلوده فریبکار و انسان‌نماهای دیو صفت و نقش فیلم، سینما، تلویزیون و رسانه‌های مطبوعاتی را در ساختن چنین فردی مبتدل از زن و چنین جامعه‌ای کسی نمی‌تواند انکار کند (سلیمانی، ۱۳۸۶).

جامعه ایرانی با دارا بودن ۷۰ درصد جمعیت جوان و با توجه به شرایط متغیر جهانی، با چالش‌های مهمی در زمینه وسایل ارتباطی جدید و مخاطبان جوان آنها روبرو است. جوانان دارای علائق، خواسته‌ها و نیازهایی هستند که در پی پاسخ به آنها در کندوکاو می‌باشند. جوان امروز خواستار آزادی، نشاط و زیبایی است؛ عناصری که روح و جسم او را به سمت خود

می‌کشاند و هر فرد، هر فکر، هر فرهنگ و حکومتی که این عناصر را به او ارائه دهد جوان را به سمت خود جذب می‌کند و او را در حیطه اقتدار خود در می‌آورد (طباطبایی، ۱۳۸۴). یکی از زمینه‌های تجلی این نیازها در نوع پوشش و لباس فرد بروز می‌یابد. در این راستا، شبکه‌های ماهواره‌ای با سرمایه‌گذاری عظیم و بهره‌برداری از آخرین تکنولوژی‌ها، با قدرت زیاد سعی دارند سبک‌ها و طرح‌های متنوع و گوناگون را به جوان امروزی القاء کنند. در مقابل، شبکه‌های دولتی بسیاری از کشورها، به دلیل کمبود امکانات و تجهیزات فنی و مالی، ناآشنایی با پیچیدگی‌های نظام و مکانیسم‌های تأثیرگذار و کمبود افراد آگاه و آشنا به مسائل روز، بسیار سریع در رقابت با شبکه‌های قدرتمند ماهواره‌ای و فرامرزی تسلیم می‌شوند و جوان را در مقابل شبکه‌های رنگارنگ تنها رها می‌کنند. در این مرحله جوانان در می‌یابند جامعه سنتی‌شان نمی‌تواند نیاز روز آنان را برآورد و به پذیرش فرهنگ و روش‌های وارداتی رو آورده و از عمل به بسیاری از عادات سنتی سرباز می‌زنند و به تقلید فرهنگ وارداتی پرداخته، روز به روز از تمدن و فرهنگ خود دور می‌شوند. جوان در معرکه نبرد بین دو گروه از ارزش‌ها (ارزش‌های انتقالی از جمله از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای در مقابل ارزش‌هایی که از جامعه خودی ریشه گرفته) گرفتار می‌شود و به عقیده روانشناسان دچار جنون توهم می‌شود. به همین دلیل اندیشه جوان در ستیز روانی بین این دو دسته از ارزش‌ها گرفتار می‌آید و گاهی به غارت می‌رود و این جابه‌جایی است که جوان در دنیای وهم‌آلود و تخیلی که سراسر نبرد دو دسته از ارزش‌هاست، به بند کشیده می‌شود (اعتضادالسلطنه، ۱۳۸۰: ۶۲).

### بی‌حجابی و عوامل اجتماعی

۱. روابط آشفته و غلط خانواده‌ها و عدم امنیت و فقدان محبت، ۲. طرد از خانواده، ۳. موقعیت نامناسب محیط اجتماعی و تحریکات آن، ۴. ضعف قوانین و عوامل کنترل در جامعه، ۵. ضعف تربیتی خانواده‌ها و عدم پابندی آنها به مذهب، ۶. نوشته‌ها و آثار بدآموزی (عکس‌ها، فیلم‌ها، تئاتر و مانند آنها)، ۷. ازدواج‌های غلط، ۸. تعدد زوجات، ۹. متارکه، طلاق، بیوه‌گی، ۱۱. خودباختگی در مورد اعمال و عقاید پوچ دیگران، ۱۱. پیشرفت‌های علمی و صنعتی و ارتباط بیشتر و تنوع در اشکال فاسد.

عوامل ایجادکننده انحراف و فساد - که ذکر گردید - منشأ و ریشه‌هایی دارند که کم و بیش باید به رفع این مسائل پرداخت تا بتوان مبارزه‌ای جدی و ریشه‌ای با انحراف و فساد داشت. یعنی همان اصولی که باید به انسان‌ها و جامعه حاکم باشد، این ریشه‌ها شش بخش

هستند که باید آنهايي که اثر مثبت دارند تقويت و آنهايي که تأثير منفي دارد حذف و نابود گردد:

الف) منشأ و ريشه‌هاي زيستي: ۱. ارث: از نظر علمي به اثبات رسيده است که اشخاصي، انحرافاتي به ارث مي‌برند.

۲. ريشه‌هاي عضوي و جسمي اعم از نقص‌ها، زشتي‌ها و زيبايي‌ها.

ب) ريشه عوامل رواني و عاطفي: ۱. اختلالات ذهني و کم‌هوشي، ۲. اختلالات عاطفي (ترس، خشم، اضطراب، محروميت، شکست)، ۳. اختلالات رواني (تجاوز، بهانه‌جويي، ماليخوليا)، ۴. تجارب و سوابق چند سال اول زندگي (تجربه خوب و بد، عقده‌ها، احساس گناه کاري و شرمساري، احساس حقارت). حضرت امام جواد (ع) فرمود:

«عليه نفس فلا تأمن شره». آن کس که در خود احساس شخصيت اخلاقي نمي‌کند از

شر او ايمن مباش.

ج) منشأ و ريشه‌هاي اجتماعي: ۱. خانواده، به‌خصوص سال‌هاي اوليه زندگي کودک اختلافات خانوادگي و کمبودهاي عاطفي، ۲. مدرسه، عوامل موجود در مدرسه (مدیر، ناظم، معلمين، دوستان و همکلاسي‌ها). گروه همسالان يعني معاشرين يا عدم هماهنگي سني، ۳. اجتماع و مردم که به تناسب برخورد ممکن است مسائلي مثبت يا منفي ايجاد کنند، ۴. نابساماني‌هاي اجتماعي و کانون‌هاي فساد.

د) ريشه‌هاي اقتصادي: ۱. فقر (توزيع ناعادلانه، مزد کم و کار زياد، مشکل بيکاري، نوسان‌هاي اقتصادي). ۲. غني بودن و راحت‌طلبي و کمبودهاي روحي در کنار آن.

ه) ريشه‌هاي سياسي انحراف: ۱. نقش و اثر قوانين، قاطع بودن در اجرا و جامع بودن آن، ۲. تبعيضات قانوني، ۳. سخت‌گيري بي‌جا و اعمال فشارهاي بي‌مورد، ۴. تضادهاي سياسي (سليمانی، ۱۳۸۶).

## علل سياسي

زمينه‌هاي سياسي بيشتر به عملکرد نظام سياسي کشور و سازمان‌هاي فعال در مورد حجاب و بازتاب آن در قلمروهاي رفتارهاي افراد و نوع تعامل ميان فرد و نهاد سياسي مربوط است. برخي کاستي‌ها در ايجاد زمينه و گسترش بي‌حجابي مؤثر بوده‌اند که از آن جمله مي‌توان به موارد زير اشاره کرد:

۱. ضعف نگاه استراتژيک به موضوع‌هاي فرهنگي: تبیین نکردن سياست‌هاي فرهنگي

به صورت مرحله‌ای و طراحی سازوکارهای لازم برای اجرایی شدن آن در همین راستاست. ۲. تعدد و تنوع سازمان‌های مسئول با فعالیت‌های متعارض: ناهماهنگی میان مجموعه‌های مدیریتی نظام و عملکرد برخی دستگاه‌های فرهنگی کشور در زمینه‌سازی برای ابتدال و دامن زدن به برخی سیاست‌های ضدفرهمنی با سیاست‌های دستگاه قضایی مبنی بر جرم تلقی کردن این سنخ تظاهرات، تباین آشکار دارد.

۳. ارائه نکردن تعریف مشخص از پوشش الزامی زنان متناسب با ضرورت‌های فرهنگی جامعه اسلامی در عصر جدید و نیاز شهروندان.

۴. تلاش نکردن برای معرفی الگوهای پوششی متناسب با سلیقه‌های مختلف و تأکید بیش از اندازه بر گونه خاصی از حجاب (چادر) در تمام مراکز و مناطق بدون داشتن توجیه کافی.

۵. برخورد نکردن با گروه‌های قارچ‌گونه، افراطی، خشن و ناآشنا با سیاست تربیتی اسلام که با رفتارهای شتاب زده و ایجاد حساسیت‌های مقطعی و سلیقه‌ورزی‌های ناسنجیده به بهانه احیای سنت نهی از منکر در عرصه اجتماع، متعرض زنان و دختران دارای پوشش نامناسب می‌شوند. به اعتقاد برخی جامعه‌شناسان، برخورد‌های ناسنجیده با انحراف‌ها و منحرفان، در بلندمدت به گرد هم آمدن این افراد در قالب‌های گروه‌های سازمان یافته می‌انجامد. تقابل می‌تواند افراد هم‌فکر و هم‌عقیده را در گروه‌های باثبات یا حتی کم‌ثبات گرد هم آورد تا بتوانند هنجارهای مورد نظر خود را استحکام بخشیده و توسعه دهند.

۶. نداشتن تلاش جدی و برنامه‌ریزی شده برای اقلان‌سازی فرهنگی: در سال‌های گذشته، شماری از نهادهای فرهنگی نظام تحت تأثیر برخی جریان‌های کور فرهنگی و سیاسی، به جای تشریح فلسفه حجاب، پاسخگویی مستقیم و غیرمستقیم به شبهه‌ها، انتقال فرهنگ حجاب از طریق کانون‌های مختلف آموزشی و تربیتی، در مسیر تأیید و تقویت اباحی‌گری و فرهنگ تسامح به‌عنوان ویژگی جدایی‌ناپذیر جامعه مدنی و بی‌اعتنایی به ارزش‌های اختصاصی با عنوان تکثرگرایی فرهنگی گام برداشتند. بی‌اعتنایی به مفاصد اخلاقی و ابتدال در پوشش و آرایش در سازمان‌های دولتی، استفاده از دختران جوان در روابط عمومی‌ها و بخش‌های پر رفت و آمد اداری، سوءاستفاده از جاذبیت‌های زنان در فعالیت‌های هنری و اقتصادی، تولید و پخش فیلم‌های عشقی و آهنگ‌های محرک و مهیج، میدان دادن به طرح استناداردهای جدید و ایجاد تشویش در ذهنیت هنجاری جامعه، بخشی از نتایج این سهل‌انگاری‌هاست (شرف‌الدین، ۱۳۸۶).

برای نهادینه کردن حجاب در جامعه باید شیوه اجتماعی شدن افراد، جامعه براساس



موازن اسلامی اصلاح شود. براساس یک تعریف کلاسیک، اجتماعی شدن که ریشه‌های عمیقی در جامعه‌شناسی و کنش متقابل نمادین دارد فرایند آشنا کردن کنشگران با هنجارها و قواعد یک جامعه است. نتیجه اجتماعی شدن، تمکین مستمر مبتنی بر درونی شدن این هنجارهای جدید است. در به‌کارگیری قواعد اجتماع، اجتماعی شدن به این معناست که یک عامل، از پیروی منطقی از پیامدها به پیروی منطقی از تناسب‌ها منتقل می‌شود؛ این به‌کارگیری در طول زمان استمرار یافته و کاملاً مستقل از یک ساختار مشخص از محرک‌ها یا فرمان‌های مادی است (چکل<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷: ۵-۴). حجاب پدیده‌ای اجتماعی یا واقعیتهای اجتماعی در جامعه مذهبی ما به حساب می‌آید. تا زمانی که جاذبه و میلی درونی برای پیروی از این پدیده وجود داشته باشد، تحت تأثیر سه نیروی هنجاری اجبار، خارجی بودن و عمومیت است. با کاهش قدرت این سه نیرو یا عدم تعادل میان آنها با «مسئله حجاب» یا «اختلال هنجاری» در حجاب به‌عنوان پدیده اجتماعی روبرو می‌شویم که می‌توان آن را نوعی آنومی پوششی تلقی کرد که در واقع تابعی از «آنومی اجتماعی» است (محبوبی منش، ۱۳۸۶). در اینجا لازم است از راه‌های زیر فرهنگ حجاب و عفاف را در جامعه رسوب‌گذاری کرد:

۱. برخورد جدی با رسانه‌های آسیب‌زا: رسانه‌های آسیب‌زا در حال حاضر بیشترین نقش را در گسترش پدیده بدحجابی در جامعه ما دارند. پیمایش پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات از شهروندان تهرانی نشان می‌دهد دیدن فیلم‌های مبتذل (با میانگین محاسبه شده ۲/۶۹ از ۳) بیشترین تأثیر را روی پوشش نامناسب زن و مردان در جامعه دارد و کمترین تأثیر را در بین عوامل بررسی شده، انتقادهای سیاسی (با میانگین محاسبه شده ۱/۹۶ از ۳) داراست (پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات، ۱۳۸۹). بنابراین لازم است با این رسانه‌های مخرب که می‌توانند تمام فعالیت‌های فرهنگی دولت را بی‌اثر کرده و نسل آینده را به تباهی بکشاند، برخوردی منطقی و حساب شده صورت پذیرد.

۲. جلوگیری از حرکت‌های گروه‌های مخالف حجاب و عفاف در جامعه: لازم است با گروه‌هایی که به راه‌های مختلف با حجاب و عفاف مخالفت می‌کنند، برخورد جدی صورت گیرد. به‌طور مثال با اصنافی که به فروش لباس‌های مخالف شئون اسلامی می‌پردازند و به‌طور عملی مخالفت خود را با گسترش فرهنگی عفاف و حجاب اعلام می‌دارند، برخورد جدی صورت گیرد. همچنین از آنجا که طبق آمار شورای فرهنگی عمومی تنها کمتر از ۵/۰ درصد از شهروندان به عنوان مهاجمین به حریم عفاف و حجاب شناخته می‌شوند (شورای فرهنگ

1. Checkel

عمومی ۱۳۸۸؛ الف و ب)، لازم است با این افراد به‌عنوان مجرم برخورد شده و از آنجا که خوشبختانه جامعه کنونی ما نیز هنوز نسبت به این گروه نگرش منفی دارد. بنابراین باید برخورد با این افراد به نحوی انجام شود که در افراد عادی و یا افرادی که به دلیل غفلت و نه از روی عناد، حجاب مناسبی ندارند، حساسیت بی‌جا به‌وجود نیاید.

۳. حمایت فرهنگی مداوم جامعه از این رفتار: در حال حاضر عموماً افراد بدحجاب در هنگام مراجعات اجتماعی، بیشتر مورد احترام قرار می‌گیرند و به این ترتیب این رفتار در آنها تثبیت می‌شود، در حالی که لازم است، احترام به حجاب و افراد محجبه گسترش یافته و حجاب از طرف مراجع مختلف و نیز مؤمنان مورد تشویق قرار گیرد. به‌طور مثال در اداره‌ها، دانشگاه‌ها و غیره با افراد محجبه با احترام بیشتری نسبت به بدحجابان برخورد شده و یا در مدارس، با شناسایی دخترانی که در بیرون از مدرسه محجبه هستند، این افراد به صورت علنی مورد تشویق و تأیید قرار گیرند.

۴. بهره‌گیری از ابزارهای مختلف هنری و نیز ظرفیت عظیم رسانه ملی در نشان دادن رابطه مثبت حجاب و عفاف با پیامدهای مثبت فردی و خانوادگی: هنر با انتقال مفاهیم و معانی به صورتی دلنشین می‌تواند نقش زیادی در درونی کردن فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه داشته باشد؛ بنابراین باید با استفاده از ابزارهایی چون فیلم، رمان، تئاتر و... برکات و آثار مثبت حجاب و عفاف در قالب‌های مختلف نشان داده شود. همچنین لازم است رسانه ملی با حرکتی حساب شده و در قالب سناریوهای قوی و متقن، از طریق سریال‌ها و فیلم‌های تلویزیونی، رابطه مثبت بین حجاب و عفاف و پیامدهای مثبت فردی و خانوادگی را به‌نحوی غیرمستقیم به بینندگان القاء کرده و به این ترتیب این رفتار را در جامعه تقویت کند.

با گسترش الگوی حجاب مبتنی بر تعالیم اسلامی، ارزش‌های زیربنایی آن یعنی عفاف و حیا نیز رفته‌رفته در جامعه گسترش و عمق یافته و درونی می‌شود. عفاف حالت درونی و باطنی حجاب است و با توجه به اینکه تأثیر ظاهر بر باطن و باطن بر ظاهر، یکی از ویژگی‌های عمومی انسان است، بنابراین بین حجاب و پوشش ظاهری و عفت و بازداری باطنی انسان، تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد. به این ترتیب که هرچه حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر باشد، این نوع حجاب در تقویت و پرورش روحیه باطنی و درونی عفت، تأثیر بیشتری دارد و در مقابل، هرچه عفت درونی و باطنی بیشتر باشد، موجب حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر در مواجهه با نامحرم می‌شود (سلاجقه و موسی‌پور، ۱۳۹۰؛ به نقل از نخبه، ۱۳۸۶).





## بهینه‌سازی و ترویج فرهنگ حجاب در محور تربیت و پرورش

۱. باید نسل گذشته را که عهده‌دار تربیت نسل آینده است مخاطب قرار داد و به ضرورت حجاب فراخواند، زیرا بی‌اعتقادی نسل گذشته به حجاب که مریدان نسل جدیدند، به این نسل نیز منتقل می‌شود.
۲. وادار کردن مردان به اهمیت دادن به مسئله حجاب.
۳. بازگشایی مهدکودک‌هایی که کودکان را برخلاف تربیت غربی پرورش دهند. در مهد کودک و آمادگی‌ها با روش خاصی که به صورت کارهای هنری بچه‌ها را با آثار بی‌حجابی آموزش دهند.
۴. گشایش مدرسه‌هایی با فضای اسلامی مناسب و شیوه‌های تدریس معتبر تا کودکان قبل از سن بلوغ از آموزش‌های صحیح دینی، اخلاقی و اجتماعی در خانواده و اجتماع بهره‌مند گردند.
۵. مدارس (دبستان، راهنمایی، دبیرستان): علاوه بر اینکه با برنامه‌های فرهنگی و دینی به دانش‌آموزان آموزش حیا و عفاف بدهند، باید در طرز برخورد با دانش‌آموزان مواظب باشند که خدای نکرده چون این دانش‌آموزان دختر یا پسر فلانی است و به انحاء مختلف برای مدرسه کادو می‌آورد و روز معلم مدرسه را سیراب می‌کنند باید اولیاء مدرسه به این فرد بی‌حجاب احترام بگذارد نه البته این اشتباه محض است که متأسفانه در اکثر مدارس دیده می‌شود و باعث شیوع بی‌حجابی است. چرا که احترام به یک بی‌حجاب و بدحجاب تأیید رفتار او است.
۶. دانشگاه‌ها علاوه بر مورد ششم با تربیت مدرسین توانا در تبیین فلسفه حجاب به صورت دوره‌های آموزش ضمن خدمت بکوشند.
۷. فراگیری علوم انسانی و اجتماعی از طرف زنان مسلمان تا همچون نمادی بلورین در برابر زن غرب‌زده مطرح باشند که اندیشه‌های غربی را با عنوان لائیک و بی‌دینی مطرح می‌کنند.

## بهینه‌سازی و ترویج فرهنگ حجاب در سطح نظری

- به پا داشتن مراکز تحقیقاتی اسلامی با جدیدترین امکانات پژوهشی در عرصه اطلاعات یا دستگاه‌ها و تجهیزات و کادرها و طرح‌هایی که مهم‌ترین آنها عبارتند از:
۱. گردآوری و بررسی هر آنچه مربوط به شئون زن در روزگار کنونی است.

۲. گردآوری همه مدارک مربوط به زن مسلمان از آغاز پیدایش پدیده غربزدگی تاکنون، اعم از کتاب‌ها، مجلات، مقالات، تبلیغات و نمایشنامه‌ها و فیلم‌ها.

۳. برگزاری مسابقات سراسری در زمینه حجاب و پوشش در تمام مراکز دولتی و غیردولتی با استفاده از فراخوان‌های مقالات تا آگاهی زنان نسبت به فلسفه حجاب بیشتر شود.

۴. احیا فریضه امر به معروف و نهی از منکر: که نگرش جوانان از این امر به عنوان یک اسلحه است، در صورتی که اصلاً این‌طور نیست. فریضه امر به معروف و نهی از منکر ریشه فطری دارد، چرا که هر کسی کارهای خوب و پسندیده را می‌پسندد و از کارهای منکر و زشت نفرت دارد (حسن و قبح ذاتی افعال) و در این امر از دانشجویان کمک خواستن (در صورت کمک کردن، دانشجویان گاه اظهاراتی دارند که ما وقتی سعی می‌کنیم آنها را راهنمایی کنیم ما را مسخره می‌کنند).

۵. تقویت ایمان و اعتقاد دینی و نگرش دختران دانشجو درخصوص مفهوم واقعی حجاب و تربیت و تزکیه نفوس با برنامه‌های اخلاق اسلامی، ارضا و اشباع هوس‌ها و غرائز از راه‌های صحیح و معقول اسلامی.

۶. تقویت باور فکری و عملی دختران دانشجو بر این اساس که حجاب اسلامی هرگز در مورد کار و تلاش در عرصه‌های مختلف فرهنگی دست و پاگیر نمی‌باشد. چنانکه این مسئله عملاً در جمهوری اسلامی ایران دیده می‌شود.

## بهینه‌سازی و ترویج فرهنگ حجاب در مرحله عمل

۱. بایستی دختران مسلمان را در گذران اوقات فراغت و تفریح، راهنمایی کرد. زیرا دختران غربی برای آسایش، لذت بردن و خوشگذرانی امکانات فراوانی را در اختیار دارند. اما دختر مسلمان می‌خواهد پایبند به حجاب اسلامی باشد و آن را کنار نگذارد و نمی‌خواهد اوقات فراغت خود را در جاهایی بگذراند که درهای غربزدگی بر روی او گشوده است.

۲. بایستی به زن فهماند که زنان ممتاز و باحجاب و نمونه در فعالیت‌های علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی وجود دارند و بدانند که حجاب با یک زندگی موفق و پیروزمند منافاتی ندارد.

۳. طرح کردن حجاب به عنوان پیش درآمد روابط جنسی در ازدواج و این چیزی است که طبع و فطرت آدمی می‌پسندد و اینکه بسیاری از تبلیغات و جنبش‌های دینی و اجتماعی در



تاریخ بوده‌اند که به خاطر دعوت به بی‌بند و باری سقوط کرده و از بین رفته‌اند و بی‌حجابی مقدمه تاریخی بی‌بند و باری است.

۴. مطرح کردن حجاب به‌عنوان شعار و رمز تولدهای مشروع که این نیز مورد پذیرش طبیعت و فطرت انسان‌هاست. هیچ زن و مردی را نمی‌یابیم که به سلامت نسل خود اهمیت ندهد، بجز کسانی که اختلال روانی دارند.

۵. انتخاب افراد کارآمد و باتجربه برای سیاستگذاری در این رابطه و پیگیری و رسیدگی به تمام نکات آن.

۶. اساتید محترم چند دقیقه در هر جلسه درسی به مسئله پوشش و رفتار و کردار مناسب با الگودهی مناسب و آثار منفی بدحجابی و بی‌حجابی پردازند و این اختصاص به اساتید گروه معارف اسلامی و الهیات نیست، بلکه تمام اساتید در تمام گروه‌ها اعم از پزشکی و فنی و پایه و ... موظف و ملزم به موارد فوق باشند.

۷. در انتخاب و انتصاب مسئولین دقت کافی به عمل آید، چرا که مسئولینی که سابقه واقعاً نابهنجاری داشته چطور می‌تواند تربیت نسل جوان را از او انتظار داشت.

۸. پرهیز از انتظار حجاب از رشته‌های خاص در دانشگاه‌ها و از افراد خاص در جامعه و تعمیم دادن آن در میان تمام گروه‌ها و یکسان‌سازی فرهنگ پوشش.

۹. بالا بردن ارزش اساتید و کارمندان و دانشجویان واقعاً محجب و امتیاز خاص قائل شدن به آنان و واگذاری امور مهم به آنان (سلیمانی، ۱۳۸۹).

۱۰. معرفی آثار روابط جنسی آزاد و هرزه‌نگاری

در سال ۲۰۰۵، خانم چنیگ سان<sup>۱</sup> استاد دانشگاه نیویورک، مستندی در مورد جوانان و هرزه‌نگاری<sup>۲</sup> تهیه کرد و از نتایج آن بسیار شگفت‌زده شد. بنابراین مقاله‌ای در مجله کانتر پانچ<sup>۳</sup> نوشت و از دوستان آزاداندیش خود خواست تصاویر شهوت‌انگیز را جدی‌تر قلمداد کنند. او به این نتیجه رسید نه تنها بسیاری از فیلم‌های مستهجن، تجاوز و بدرفتاری به زنان را محور خود قرار داده‌اند؛ بلکه تماشای آنان نیز به روابط جوانان آسیب می‌رساند. او می‌گوید: جرائم دردناک بود، وقتی در مصاحبه‌هایی می‌شنیدم هم پسران و هم دختران برای داشتن رابطه جنسی زیاد، بدون وجود رابطه عاطفی و در سنین جوانی تحت فشار هستند و چه سخت بود که می‌دیدم زنان جوان بسیاری، احساس می‌کنند موظف‌اند از لحاظ جنسی مردان

1. chynng sun  
2. porno graphy  
3. counter punch

را ارضاء کنند و آن را جزء وظایف زنانه خود می‌پندارند.

یک دانشجوی دختر بیست‌ساله، هنگام مرور خاطرات دوران نوجوانی اش می‌گفت، در آن زمان احساس می‌کرد، بدنش متعلق به خودش نیست، بلکه مال دیگران است تا به آن نگاه کنند و از آن لذت ببرند. این مسئله نیز هشداردهنده است که بسیاری از پسران و مردان جوان قبل از برقراری رابطه نامشروع جنسی، تصاویر مستهجن فراوانی تماشا می‌کنند. پرواضح است که تصاویر مستهجن، به میزان مختلف هم به زنان و هم به مردان آسیب می‌رساند.

دکتر آیان کرنر<sup>۱</sup> مشهورترین مشاور امور جنسی، در حال حاضر به زنانی که قصد ازدواج ندارند هشدار می‌دهد و می‌نویسد هر چه رابطه جنسی آزادتر باشد رضایت و شادمانی عاطفی کمتری احساس می‌کنید. همان طور که جرج گیلدر<sup>۲</sup> در سال ۱۹۷۳ یادآور شد، شواهد نشان می‌دهد مردان هم وقتی ازدواج کرده و احساسات خود را در یک جا متمرکز می‌کنند، زندگی بهتری دارند (مدنی و علمداری، ۱۳۸۸: ۴۶-۴۳). امام خمینی (ره) آن بیدادگر بزرگ قرن ضمن اشاره به اهداف ضداخلاقی و ضدانسانی غرب می‌فرماید: «از جوانان، دختران و پسران می‌خواهم که استقلال و آزادی و ارزش‌های انسانی را ولو با تحمل زحمت و رنج، فدای تجملات و عشرت‌ها و بی‌بندوباری‌ها و حضور در مراکز فحشا که از طرف غرب و عمال بی‌وطن به شما عرضه می‌شود، نکنند که آنان چنانچه تجربه نشان داده جز تباهی شما و اغفالتان از سرنوشت کشورتان و چاپیدن ذخائر شما و به بند استعمار و ننگ وابستگی کشیدنتان و مصرفی کردن همت و کشورتان به چیز دیگری فکر نمی‌کنند (شرفی، ۱۳۷۳: ۱۷۵). بنابراین با توجه به ذکر مطالب بالا در مورد عوارض جانبی بی‌قیدی در امور اخلاقی و جنسی و اثبات بسیاری از مشاوران و صاحب نظران جوامع غربی و سخنان گهربار امام خمینی (ره) باید به جوانان چه دختران و چه پسران عواقب عدم عفت را گوشزد کرد و با آگاه کردن آنها به آثار شوم بی‌عفتی و روابط نامشروع در نهادینه کردن فرهنگ عفاف در جامعه اسلامی مان که دشمنان از هر سو می‌خواهند به جوانان ما صدمه برساند کوشید و نمونه‌های عینی و واقعی و نوشته‌های جوانانی را که در غرب قربانی بی‌عفتی شده‌اند به آنان نشان داد.

## نتیجه‌گیری

پوشش اسلامی به‌منزله یک حفاظ ظاهری و باطنی در برابر افراد نامحرم، قلمداد می‌شود

1. Ian Rerner  
2. George gilder

که مصونیت اخلاقی، خانوادگی و پیوند عمیق میان حجاب ظاهری و بازداری باطنی و از همه مهمتر امنیت اجتماعی را فراهم می‌سازد (سلطانی رنایی، ۱۳۸۳: ۶۴). در واقع عفاف و حجاب، تضمین‌کننده امنیت و آرامش زنان در تعاملات اجتماعی و ایجادکننده جامعه‌ای سالم و متعادل است. تجربه آزادی و ولنگاری جنسی غرب طی دهه‌های متوالی گذشته که منجر به سست شدن شدید بنیان خانواده، رشد منفی جمعیت، مشکلات اخلاقی و... شده است، اهمیت عفاف و حجاب را در حیطه‌های فردی و اجتماعی تأیید می‌کند. با وجود این در دنیای واقعی جامعه امروز ما، از یک سو به دلیل بلندمدت بودن آثار حجاب برای فرد و جامعه و القانات هوای نفس برای آزادی بی‌قاعده و از طرف دیگر تهاجم عظیم رسانه‌های غربی، وضعیت رعایت قواعد پوششی و رفتاری به نقطه بسیار بغرنجی رسیده و از آنجا که حفظ حرکت رو به تعالی جامعه و ایجاد امنیت و آرامش اجتماعی برای تمام افراد از وظایف دولت است، بنابراین دولت باید هنجارهای جامعه را به نحوی اصلاح کند که تضمین‌کننده این امنیت، آرامش و حرکت متعالی باشد. اصلاح هنجارها فرایندی زمانبر است و بنابراین همواره راه‌حل اصلاح وضعیت حجاب و عفاف از ابتدای انقلاب «فرهنگ‌سازی» عنوان شده و استفاده از ابزارهای قهری رد شده است؛ در شرح علل رفتار پوششی ناهمنوای دانشجویان، به علل و دلایل متعددی می‌توان اشاره کرد؛ اما مواجهه اصولی با این واقعیت اجتماعی نیز نیازمند برنامه‌ریزی صحیح و همه‌جانبه و اعمال سیاست‌های مختلف، متناسب با شرایط، امکانات و محدودیت‌های محیطی و مخاطب است. عمده‌ترین موضوعی که می‌توان در اینجا بر آن تأکید کرد برنامه‌های نظارتی و آموزشی غیرمستقیم و رفتارهای مبتنی بر موازین دست‌اندرکاران است. این‌گونه برنامه‌ها را می‌توان در قالب برنامه‌های پنهان فرهنگی مطرح و از طریق آموزش پنهان و الگو بودن در عمل، به ایجاد جو فرهنگی و سازمانی حامی پوشش همنوا و معیار کمک کرد. در چنین فضایی هم عمل‌کننده احساس فشار بیرونی نمی‌کند و هم یادگیری ماندگار و درونی شده محقق می‌شود. همچنین از آن جایی که رعایت حجاب از نحوه نگرش افراد ناشی می‌شود، بنابراین شناخت نگرش دانشجویان نسبت به پوشش اسلامی و عوامل مرتبط، در شکل‌گیری آن ضروری است. از جمله عوامل مرتبط با نگرش افراد، چگونگی اجتماعی شدن و روند جامعه‌پذیر شدن آنهاست. در میان عوامل جامعه‌پذیری، نوع خانواده و تجربه‌ای که فرد در خانواده کسب می‌کند و نیز گروه همسالان نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند، بنابراین سه عامل سرمایه فرهنگی خانواده، نحوه فرزندپروری و نوع تجربه گذشته شخص درباره حجاب با نگرش او نسبت به حجاب از

اهمیت خاصی برخوردار است. در واقع، با افزایش میزان نظارت والدین - آن هم والدینی که اعتقادات مذهبی قوی دارند - اعتقاد به حجاب افزایش می‌یابد، متأسفانه امروزه شیوه آزاد گذاشتن جزء سبک تربیتی اکثریت والدین قرار گرفته است. کنترل و نظارتی که با آگاهی، طبق برنامه و طبق توافق خانواده صورت گیرد، بالاترین میزان اثرگذاری را دارد و این مستلزم آن است که شیوه فرزندپروری خانواده نیز با توجه به فرهنگ و جامعه ایرانی از نوع قاطع و قانونمند باشد. اشاره به این نکات، این امر را رهنمون می‌سازد که پایه هر نوع آسیب فرهنگی ممکن است از خانواده شکل بگیرد. یکی از مزیت‌های مطالعه حاضر آن بود که نشان داد دانشجویان دختر به علت کمبود اطلاعات در زمینه حجاب آن را به عنوان تکلیف دینی خود قلمداد نکرده و نسبت به اجرای آن کمتر اهتمام می‌ورزند. بنابراین پیشنهاد می‌شود بخش‌های فرهنگی دانشگاه با توسل به راهکارهای جدید و به روز در امر جذب دانشجویان به محافل مذهبی بیش از پیش کوشش کرده و در سایه تعامل حاصل شده ابعاد معقول ضرورت توجه به حجاب را بازخوانی و ارائه کنند، به‌علاوه معرفی زنان اسوه و الگو در اسلام و ایران و بیان مراتب تأثیرگذاری آن‌ها در تاریخ و تحولات جامعه به‌خصوص در امر حجاب می‌تواند در بهبود وضعیت حجاب در بین دانشجویان دختر مؤثر باشد.

### منابع:

- اعضادالسلطنه، محمد. (۱۳۸۴). دغدغه‌های رسانه‌ای جهان غرب، تهران: دفتر پژوهش‌های رادیو.
- استاد ملک، فاطمه. (۱۳۶۷). حجاب و کشف حجاب در ایران، تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطائی، ج ۲.
- پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات. (۱۳۸۹). گزارش نظرسنجی تلفنی از مردم تهران درباره نوع نگرش آنان به وضعیت حجاب در جامعه، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، گفتارهایی در باب حجاب، تهران.
- خلفی، مسلم. (۱۳۸۶). بازنگرشی دزون دینی به حجاب، کتاب زنان، شماره ۳۷، صص ۷۵-۱۳۲.
- دادگران، محمد. (۱۳۶۹). پژوهشی پیرامون حقوق، نقش اجتماعی و پوشش بانوان و کنکاشی در زمینه شناخت الگوی اسلام برای زن امروز، تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای.
- راغب الاصفهانی، حسین‌بن‌محمد. (۱۳۶۲). المفردات فی غریب القرآن، تحقیق و ضبط محمد سید گیلانی، بی‌جا: کتابفروشی مرتضوی.
- رستگار خالد، امیر. (۱۳۸۶). بررسی نگرش دانشجویان دختر نسبت به حجاب؛ هم‌اندیشی حجاب؛ مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی. [www.women.gov](http://www.women.gov)
- سلیمانی، ایران. (۱۳۸۹). حجاب و عفاف از منظر فرهنگی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی.
- سلاجقه، آزیتا، موسی‌پور، نعمت‌الله. (۱۳۹۰). بررسی مقیاس‌های الگوی پوشش دانشجویان دانشگاه‌های دولتی، پیام نور و آزاد اسلامی مطالعه موردی شهر بافت، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره چهارم، شماره ۳، ص ۱۷۶.



- سلطانی، زنانی، مهدی. (۱۳۸۳). حجاب و امنیت اجتماعی، درس‌هایی از مکتب اسلام، سال ۴۴، شماره ۷، صص ۶۸-۶۲.
- شرف‌الدین، حسین. (۱۳۸۶). ریشه‌یابی جامعه‌شناختی بی‌حجابی، فصلنامه فقه نو، سال چهاردهم، ش ۵۲-۵۱.
- شرفی، محمدرضا. (۱۳۷۳). بینش‌های تربیتی (راهنمای عملی در تعلیم و تربیت)، جلد اول، انتشارات تربیت.
- شمس، ابراهیم. (۱۳۸۶). ارزیابی عملکرد دستگاه‌های ذی‌ربط در ارتباط با گسترش حجاب، هم‌اندیشی حجاب، مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی، [www.women.gov](http://www.women.gov)
- شهایی، محمود. (۱۳۸۲). جهانی شدن جوانی: خرده فرهنگ‌های جوانان در عصر جهانی شدن، فصلنامه مطالعات جوانان، شماره پنجم.
- شورای فرهنگ عمومی. (۱۳۸۸ الف). وضعیت‌سنجی پوشش و آرایش متردین در سطح شهر تهران، موج ششم.
- شورای فرهنگ عمومی. (۱۳۸۶ ب). وضعیت‌سنجی پوشش و آرایش مترددین در سطح شهر تهران، موج ششم، تهران.
- طباطبائی، صادق. (۱۳۸۴). طلوع ماهواره و افول فرهنگ، تهران: انتشارات اطلاعات.
- فلاح، فاطمه. (۱۳۸۸). نسبت میان تحولات اجتماعی و فرهنگی ایران پس از جنگ با پوشش جوانان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- محبوبی‌منش، حسین. (۱۳۸۶). تحلیل اجتماعی مسئله حجاب، کتاب زنان، شماره ۳۸، صص ۱۳۴-۸۸.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۴). مسئله حجاب، چاپ چهل و دوم، تهران: انتشارات صدرا.
- نخبه‌ل. (۱۳۸۶). حجاب در قرآن، قابل دسترسی در: [www.goharenab.blogfa.com](http://www.goharenab.blogfa.com)
- وندی شیت و نانسی لی دموس. (۱۳۸۸). دختران به عفاف روی می‌آورند، ترجمه: سمانه مدنی و پریساپور علمداری، انتشارات دفتر نشر معارف.
- هاشمی، حسن. (۱۳۸۴). رابطه حجاب و عفاف، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، قابل دسترسی در: [www.quran-p.com](http://www.quran-p.com)
- یزدخواستی، بهجت. (۱۳۸۶). حجاب زنان با رویکرد جامعه‌شناختی، کتاب زنان، شماره ۳۸، صص ۶۱-۳۷.

